



The Institute of Ismaili Studies

عنوان: عقل و دین، شرق و غرب

مؤلف: دکتر رضا شاه کاظمی

منبع: *The Ismaili United Kingdom*، شماره ۴۵، جولای ۲۰۰۲،

صص ۵۲-۵۴

حق انتشار (کپی رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده» مؤسسه مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می شود و یا در هر مورد چاپ می شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

مؤسسه مطالعات اسماعیلی ۲۰۱۱

عقل و دین، شرق و غرب

دکتر رضا شاه کاظمی

خلاصه:

رابطه‌ی میان عقل و دین در بستر دین اسلام اساساً رابطه‌ای متناسب و متوازن بوده است. علیرغم نزاع‌های متنوع در باب نسبت عقل و دین، این دو در بستر اسلامی به شیوه‌ای رادیکال و افراطی به تقابل با یکدیگر نپرداخته‌اند. این، خلاف اوضاع و احوال فلسفی‌ای است که در غرب از زمان نهضت روشنگری در قرن ۱۸ رواج یافت. دین در این بستر عمدتاً در تضاد با به کارگیری آزاد عقل، نگریسته شد؛ به کارگیری آزاد عقلی که نتیجه‌ی سکولار شدن تفکر و فرهنگ در جامعه‌ی غربی بود. در این جستار، نویسنده این مضمون را با نظر به انتقادهایی که روشنفکران غربی تکرار کرده‌اند بررسی می‌کند؛ و نیز آن‌را با ارجاع به دورنمایی که برخی فیلسوفان مسلمان طرح کرده‌اند، و در نظر آنان تضادی میان عقل و دین نیست، به بررسی می‌نشیند.

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

کلیدواژه‌ها

عقل، دین، سکولاریزاسیون، فلسفه، روشنگری، دین‌پژوهی، نمادگرایی، ایمان، علم، تاریخ اندیشه، تاریخ، مسیحیت، کاتولیسیزم، اسلام، آیزاک نیوتون، گالیله، کوپرنیک، مایستر اکهارت.

من در باب رویکردهایی در فرهنگ‌مان، در فرهنگ سیاسی‌مان، در فرهنگ حقوقی‌مان، در فرهنگ عامه‌مان صحبت می‌کنم، در باب رویکردهایی که چنین پیش می‌نهد که دین تا حدودی امر بی‌اهمیتی است... امری است که وقتی وارد بحث جدی در حوزه‌ی عمومی و یا در محیط کار می‌شوی، باید پشت سر بنهی؛ امری است که اگر بخواهی تو را جدی بگیرند باید از آن فاصله بگیری. استفان کارتر، فرهنگ بی‌اعتقادی: چگونه حقوق و سیاست آمریکا دلبستگی دینی را بی‌اهمیت کرده است (نیویورک، ۱۹۹۳).

تئوری‌پردازی در باب نقش دین در جامعه‌ی معاصر

استفان کارتر، استاد حقوق دانشگاه ییل، در کتاب پرفروش‌اش، از تبلور فرهنگ امریکایی، که در آن دین دیگر از منظر عقلانی احترام‌برانگیز نیست، شکوه می‌کند. او در این شکوه‌ی خود تنها نیست. همیشه روشنفکرانی در غرب بوده‌اند و هستند که با سکولار کردن تفکر و جامعه به مخالفت برخاسته‌اند و به انتقاد از فرآیندی پرداخته‌اند که طی آن مادی‌انگاری و دنیویّت، تبدیل به شکل‌های جدید استبداد فرهنگی شده‌اند. آنچه شایسته‌ی ذکر است این است که اکنون صداهایی از درون دژهای تشکیلات روشنفکرانه در غرب برمی‌خیزد که دعوت به ارزیابی دوباره‌ی برخی از مفروضات مرکزی‌ای می‌کند که شالوده‌ی جامعه‌ی غربی مدرن است، و خصوصاً دعوت به ارزیابی دوباره‌ی قواعد و قلمرو شایسته و محدودیت‌های سکولاریزم می‌نماید. سوالاتی در باب این‌که سکولاریسم تا کجا باید پیش برود مطرح‌اند، و این‌که آیا نباید زمانی وجود داشته باشد که برخی قلمروها سکولارزدایی شوند.

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وب‌سایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت)ی باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین‌طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

سکولارزدایی را می‌توان قدسی‌سازی دوباره نیز نام نهاد؛ و یا، چنان‌چه جان کین، استاد علوم سیاسی دانشگاه وست‌مینستر لندن و یکی از نظریه‌پردازان کلیدی جامعه‌ی مدنی، می‌گوید «بازگشت به امر قدسی» نامید.

کارتر به عوامل مختلفی اشاره می‌کند که به نظر او مسبب از بین بردن اعتبار عقلانی و فرهنگی دین است. بگذارید سه عامل از مهمترین عوامل را خاطرنشان کنم: این «افسانه» که متدینان، موجودات عجیب و غریبی متعلق به عصر ماقبل روشنگری، انسان‌هایی غیر عقلانی و کودک‌صفت اند؛ این «افسانه» که ایمان دینی منجر به آشوب سیاسی می‌شود؛ و این فرض که دین لابد امر بی‌ربطی است زیرا راهی به علم جدید ندارد.

بتدا به ایده‌ی آشوب سیاسی می‌پردازم، واضح است که بسیاری از افراد، از این‌که اقتدار دولت در غرب مدرن مورد تهدید هرگونه دینی قرار گرفته که در صدد تحمیل خود در قلمرو سیاسی است، ترسیده‌اند. این ترسیدن قابل فهم ناشی از تجربه‌ی خاص غرب است. جدایی دین از سیاست [کلیسا از دولت] - که بنیان مرام سیاسی سکولار است - ضرورتی سیاسی برخاسته از بستری تاریخی بود که نزاع‌های دینی و اذیت و آزار دینی در آن غلبه داشت. کارتر و دیگرانی هم‌چون او نمی‌خواهند این جنبه از سکولاریسم به ضد خود تبدیل شود؛ مسأله‌ی آن‌ها این است که اجازه ندهند عمل‌گرایی سیاسی آن‌چنان وسعت بیابد که به سکولار کردن فکر و فرهنگ، و به افول ایمان به منزله‌ی عامل هویت جمعی و فردی بینجامد.

ریشه‌های ضدیت میان علم و دین

در باب این فرض که متدینان، موجودات عجیب و غریبی متعلق به عصر ماقبل روشنگری اند، می‌بایست به ارزیابی این نکته پرداخت که چرا عصر روشنگری این قدر مخالف نه فقط دین به خودی خود، بلکه مخالف قدرت لخت و یک‌ریخت دین نهادینه، کلیسا و اصول ثابت آن است. در سالن‌های بورژوازی قرن ۱۸ پاریس، به کلیسای کاتولیک روم هم‌چون چیزی نگرسته می‌شد که بیشتر به جادوگران و بدعت‌گذاران می‌خورد تا به هدایت جان‌ها به سوی رستگاری!

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وب‌سایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

ستدلال‌های گزنده‌ی ولتر، دیدرو و دیگر متفکران علیه دین را تنها می‌توان در پرتو عامل‌سومی که در بالا ذکر شد، فهمید: در پرتو این فرض که دین ضرورتاً با عقل و علم در تضاد است. چرا و چگونه چنین فرضی ریشه دواند؟ این موضوعی به غایت پیچیده است که تحلیل یک‌جانبه را برنمی‌تابد. با این حال، رخ‌دادهای کلیدی‌ای وجود دارند که پرتو می‌افکنند بر زنجیره‌ی بنیادی مربوط به چرایی تاریخی این مساله و نیز گرایش‌های عقلانی و فرهنگی تعیین‌کننده‌ی آن، یعنی بر روح زمانه که رخداد مورد بحث را پدید می‌آورد.

علم هم‌چون جهان‌بینی‌ای متمایز

تأییدی‌ی گالیله نسبت به نظریه‌ی کوپرنیک، مبنی بر این‌که زمین به دور خورشید می‌چرخد، که بر اساس مشاهده‌ی تجربی ابراز شده بود، توسط کلیسا رد شد، آن‌هم نه بر اساس دلایل علمی که بر اساس دلایل الهیاتی. به او گفتند که این انگاره بدعت‌آمیز است زیرا در تناقض با کلمات انجیل است. در دفاع خود، گالیله این اتهام را این‌گونه رد کرد که «انجیل به ما می‌گوید چگونه به آسمان‌ها برویم نه این‌که آسمان‌ها چگونه می‌روند». حکم دادگاه تفتیش عقاید اما سفت و سخت بود: او «شدیداً مظنون به بدعت‌گذاری» بود، یعنی «باور داشتن به آموزه‌هایی که باطل و در تضاد با کتاب مقدس و وحیانی است، یعنی باور داشتن به این آموزه که خورشید مرکز جهان است و از شرق به غرب حرکت نمی‌کند و زمین در حرکت است و مرکز جهان نیست». به او گفته شد که اگر حاضر باشد خطا و بدعت‌آمیز بودن نظریه‌ی خورشیدمرکزی را «انکار کند، به آن دشنام بگوید و از آن ابراز انزجار کند»، مجازات باور داشتن به این عقیده در مورد او اجرا نخواهد شد.

بنابراین، وی را طبق روال معمول، مجبور به اعلام براءت از «بدعت»ی کردند که گالیله می‌دانست به‌راستی واقعیت تجربی تشکیک‌ناپذیری بود. این اعتراف به تقصیر اجباری – که به مقدار پوچی‌اش، ریاکارانه بود – علیه کلیسای کاتولیک روم عمل کرد و همانا طوفان سهمگینی به سوی مرجعیت عقیدتی ایمان مسیحی وزاند، طوفانی که تا به امروز در حال پس رفتن در مقابل آن است. از گالیله به بعد عقل و دین، به نحوی فزاینده، هم‌چون دو راه ناسازگار نگرستن به جهان تلقی گردید. بخش مهمی از طبقه‌ی روشنفکر، انقلاب علمی قرن ۱۸ را – که بیش از همه در دانشمند انگلیسی آیزاک نیوتون (متوفای ۱۷۲۷) تجسم داشت – نتیجه‌ی عقل طبیعی‌ای می‌دانستند که خود را از غل و زنجیرهای دینی که هم‌هنگام غیرطبیعی و نامعقول است، نجات داده است.

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وب‌سایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت)ی باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

مروز برای ما دشوار است که شور و هیجان ناشی از این انقلاب علمی را درک کنیم. الکساندر پوپ شاعر (متوفای ۱۷۴۴) روح آن زمانه را به نیکی در اثر مشهورش به نام جستاری درباره‌ی آدمی، منتشر شده در سال ۱۷۳۳، بیان کرده است. نخست، راجع به بی‌مدارایی مسیحیت جزم‌اندیش چنین سرود:

بگذار تا بجنگند آن جزمیان فاسد بر نحوه‌های ایمان

هان بر خطا نباشد آن کوست راست زیستن

دوم آن‌که راجع به شگفتی‌های علم و کشف قوانین تا آن زمان پنهان مانده‌ی طبیعت، با قدری اغراق چنین سرود:

به خفا در شبِ دیجور به سر بُرد طبیعت و همه حکم و قانون‌اش

ندا در داد یزدان که می‌باش هان نیوتن! سراسر روشنایی شد

سکولاریسم و سکولاریزاسیون

باری، درک این نکته دارای اهمیت است که نه تنها آن نوع سکولاریسمی که هم‌چون مرامی سیاسی است، نتیجه‌ی کلیسایی بود که از حد خود، از نظر سیاسی، اجتماعی و نهادی فراتر رفت، و لازم بود که انگاری به سر جای خودش بازگردانده شود، بلکه این نیز ضروری است که رابطه‌ی میان قدسی‌سازی دوباره یا فروکاستن خودِ دین، از یک سو و سکولار کردن فکر و فرهنگ از سوی دیگر فهمیده شود. همان‌طور که هانری کربن خاطر نشان می‌کند انقلاب کوپرنیکی در کیهان‌شناسی، انقلاب کوپرنیکی در یزدان‌شناسی را مفروض گرفت. آسمان بالاسر، دیگر به عنوان سمبل جستجوی انسان در جهت روشن‌ضمیری نگریسته نمی‌شد. سیارات در حال گردش، از آن زمان به بعد، اشیای بی‌جان بودند که به کار تعیین زمان می‌آمدند و دیگر تصویرهای متحرک جاودانگی نبودند. بنابراین می‌توان سکولار کردن کائنات را در این‌جا دید. نگرستن به طبیعت مثل بسیاری از واقعیت‌های تجربی دور و اطراف‌مان که می‌بایست در راستای منافع بشری تحلیل و استعمار شوند و نه نگرستن به طبیعت به عنوان سمبل‌ها و آیاتی که در باب آن تأمل

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وب‌سایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین‌طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

می‌بایست کرد و آن‌ها را باطنی نمود. این سکولاریزاسیون را می‌توان بروز و نمود سکولارکردن خود دین که قبلاً رخ داده بود دانست، یعنی مقارن با کم ارزش کردن درک معنوی، نفوذ عرفانی، عمق باطنی، و به طور خلاصه، تباه شدن بُعد ژرف دین در اثر نحای تماماً افقی تفکر.

نسبت میان فروکاستن معنویت در دین و سکولارکردن فرهنگ عقلانی در جامعه را با نگرستن به یکی از عمیق‌ترین نمایندگان سنت باطنی در مسیحیت، مایستر اکهارت بهتر می‌توان دریافت. این عارف برجسته‌ی آلمانی قرن ۱۴ هجری که گرفتار خشم مراجع زمان خود شد، متهم به «نزدیکی» به ارتداد شد. در این‌جا شاهد سایه‌ی شوم دادگاه گالیله هستیم که دو قرن بعد فرا می‌رسد. علیرغم تفاوت نظری زیاد میان این عارف و آن دانشمند، سرنوشت این دو ویژگی مشترکی داشت: هر دوی آن‌ها با کلیسایی مواجه بودند که سرسخت، ایدئولوژیک و جزم‌اندیش گشته بود؛ کلیسایی که، از همه مهم‌تر، به نمادگرایی حساس بود. مراجع کلیسا نمی‌توانستند از تفسیر تحت اللفظی الفاظ انجیل فاصله بگیرند: در نظر آنان داستان خلقت در سفر پیدایش نه تنها وحی الهی که واقعیتی علمی بود. قوت این پنداشت آنان که «کشفیات» گالیله بی هیچ شبهه‌ای باطل است، نسبت مستقیمی با ناتوانی‌شان در تفسیر معنوی انجیل داشت. با وام گرفتن اصطلاحی از قاموس اسلامی می‌توان گفت، کلیسا فاقد درکی از تأویل بود.

سکولاریسم هم‌چون واکنشی به کلیسای کاتولیک روم

ز همین‌رو به طور کلی در غرب، سکولاریسم تبدیل به جریان غالب فلسفه و اندیشه شد، این غلبه عموماً واکنشی بود به نوع خاصی از دین و مرجعیت دینی؛ یعنی واکنش به کلیسایی که دنیاپرستی‌اش به آن لطمه‌های مهلک زده بود؛ کلیسایی که عملاً برای خودش مبدل به دولتی با سلسله مراتب و منافع مسلم گشته بود، کلیسایی که آلوده به تفتیش عقائد و مشمئزکننده‌ترین نوع آزار و اذیت شده بود، کلیسایی که پس از جنبش اصلاح دین، در سلسله جنگ‌های دینی فلج‌کننده و کشمکش‌های فرقه‌ای دست داشت؛ و بالاتر از همه‌ی این‌ها از منظر تاریخ اندیشه، این غلبه واکنشی بود به کلیسایی که الاهیات جزمی‌اش، چشم‌اندازهای اخلاقی، معنوی و باطنی ایمان مسیحی را به حاشیه رانده بود و در نتیجه تا مغز استخوان از کشفیات علمی آسیب‌پذیر گشته بود. استدلال من این است که این‌ها عوامل اصلی‌ای بود که مسبب ضد عقل به نظر رسیدن دین گردید، و موجب پدید آمدن گرایش‌های ضد مسیحی نهضت روشنگری شد، گرایش‌هایی که به نوبه‌ی خود پایه‌ی اصلی فرهنگ و فلسفه‌ی سکولار در اندیشه‌ی غربی گردید، اندیشه‌ی غربی‌ای که به نظر می‌رسد در درون آن عقل و دین به راه‌های متفاوت و متضادی رفتند.

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وب‌سایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین‌طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

لبنه کلیسای کاتولیک روم تا حدود زیادی در دوران مدرن تغییر کرده است و به اعتبار آن به خطاهایی که در گذشته به اسم کلیسا انجام شده اذعان کرده است. مسلمانان امروزه باید از این جریان بسیار بیاموزند. قصه‌ی برآمدن فرهنگ سکولار در غرب می‌تواند هشدار باشد برای مسلمانان نسبت به خطرهای ذاتی کوشش‌های پرشماری که در راستای «احیاء» یا «اصلاح» اسلام صورت می‌گیرد. علیرغم این‌که نهضت‌های احیای دین ظاهراً در ضدیت با «سکولاریسم غربی» اند، بسیاری از آن‌ها اسیر جهت‌گیریهای سکولار می‌شوند. این نکته در دو جنبه‌ی مهم اتفاق می‌افتد. نخست، می‌توان به تلاش‌هایی که منحصرأ بر مناسبات قدرت، دولت و با صرفاً بر بروز و ظهور اجتماعی دین در عرصه‌ی عمومی متمرکز می‌گردند، به چشم دیگر گرایش‌های «سکولار»ی نگریست که محتوای معنوی دین را وارد قلمرو بیگانه‌ی فعالیت سیاسی می‌کنند. دوم، به حاشیه راندن آگاهانه یا کوچک شمردن نمادگرایی، نفوذ عرفانی و ژرفای معنوی که غالباً با ابزار سیاسی کردن دین ملازم است، شبیه صورتی از سکولاریزاسیون است، و عکس برگردان روندی است که از طریق آن جهان غرب به تضاد میان عقل و ایمان تن در داد.

چالش پیش‌روی مسلمانان

به بیان دیگر، چالش پیش‌روی مسلمانانی که سودای احیای ایمان‌شان را دارند، درک ابعاد ژرف‌تر دین توسط والاترین بخش عقل است. نقطه‌ی مقابل این نوع درک، تمرکز بر سطحی‌ترین جنبه‌های دین توسط دم‌دستی‌ترین بخش عقل است، بخشی که از طریق قوه‌ی عقلی محض و به کمک گرایش‌های احساساتی، اگر نگوییم برافروخته، مبدل به وسواس بر روی قالب‌های ظاهری دین می‌گردد. از دیگر سو، همبستگی‌ای میان بُعد باطنی دین و بعد درونی عقل وجود دارد، به این معنا که شهود معنوی‌ای که توانمند بر درک حقایق غایی است و این جهان را بر اساس آن حقایق شکل می‌دهد، با علم واضح و قطعی خود به این‌که «اصلاح» جنبه‌ی بیرونی اجتماع، بدون «اصلاح» معنوی و اخلاقی جان‌های آدمیان ممکن نیست، کار اصلاح را از خود آغاز می‌کند.

خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن‌که آنان آن‌چه را در خودشان است، تغییر دهند.

(قرآن، ۱۱: ۱۳)

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وب‌سایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت)ی باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.